



تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کارهای صنایع دستی روستایی در راستای توسعه پایدار و اقتصاد سبز؛ مطالعه موردی استان گیلان

سیده محدثه حاتمی شاه خالی^۱، سیده فاطمه امامی^۲، فرزانه نصیری جان آقا^۳، حبیب محمودی چناری^۴

۱- سرپرست معاونت دانشجویی فرهنگی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی استان گیلان، رشت، ایران.

۲- پژوهشگر پسادکتری، گروه جغرافیا، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۳- پژوهشگر، جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، پژوهشکده محیط زیست جهاد دانشگاهی گیلان، رشت، ایران.

۴- استادیار و عضو هیات علمی پژوهشکده محیط زیست، جهاد دانشگاهی، رشت، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	امروزه کسب و کارهای کوچک و متوسط هسته اصلی اقتصاد هر کشوری محسوب می شوند و نقش بسزایی در ایجاد اشتغال زایی و درآمدزایی افراد دارند. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر بررسی و عوامل مؤثر بر توسعه کانون های کسب و کار صنایع دستی است. بدین منظور موانع و چالش ها در این حوزه مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از دو روش کیفی و کمی استفاده شده است و به منظور تجزیه و تحلیل داده ها ابتدا با توجه به نظر خبرگان و کارشناسان متخصص موانع موجود بررسی شد و پس از آن عوامل مؤثر شناسایی و به منظور بررسی اثرگذاری هر یک از عوامل به صورت مستقیم و غیرمستقیم از روش تحلیل مسیر در نرم افزار SPSS ورژن ۲۶ استفاده شد. با توجه به شناسایی موانع و مشکلات پیش رو، نتایج تحقیق حاکی از آن است که توسعه کسب و کار، فرهنگ سازی، دسترسی، ارائه خدمات، دوری و نزدیکی به مراکز برتر، جذب سرمایه گذار، تسهیلات، ثبات اقتصادی، تشکیل صندوق اعتباری، پشتیبانی و حمایت سازمان های ذی ربط، ارائه خدمات مشاوره و امکانات زیربنایی و روبنایی به عنوان مهم ترین عوامل تأثیرگذار در امر توسعه کسب و کارهای حوزه میراث فرهنگی محسوب می شوند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹	
دسترسی آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۱۹	
کلید واژه ها: کسب و کارهای کوچک، استان گیلان، عوامل تأثیرگذار، توسعه، میراث فرهنگی	

استناد: حاتمی شاه خالی، سیده محدثه، امامی، سیده فاطمه، نصیری جان آقا، فرزانه، و محمودی چناری، حبیب. (۱۴۰۵). تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کارهای صنایع دستی روستایی در راستای توسعه پایدار و اقتصاد سبز؛ مطالعه موردی استان گیلان. *مجله پژوهش و فناوری محیط زیست*، ۱۱(۱۹)، ۵۹-۷۱.

doi: 10.66224/jert.51871.11.19.59

✉ پست الکترونیکی نویسنده مسئول: fzn_nasiri@yahoo.com





Analysis of Factors Affecting the Development of Rural Handicraft Businesses Toward Sustainable Development and the Green Economy: A Case Study of Guilan Province

Seyede Mohadese Hatami Shakhali¹, Seyyedeh Fatemeh Emami², Farzaneh Nasiri Jan Agha³✉, Habib Mahmoodi Chenari⁴

- 1- Head of the Student and Cultural Affairs Department, Higher Education Institute of the Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR), Rasht, Iran.
- 2- Post-Doctoral Researcher, Geography, University of Guilan, Rasht, Iran.
- 3- Researcher, Department of Regional Studies, Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR), Rasht, Iran.
- 4- Assistant Professor and Faculty Member, Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR), Rasht, Iran.

Article Info	Abstract
Article type: Research Article	Today, small and medium-sized enterprises (SMEs) are widely recognized as the backbone of national economies and play a vital role in employment creation and income generation. Accordingly, the present study aimed to investigate the factors affecting the development of rural handicraft business clusters. To achieve this objective, the major obstacles and challenges in this field were identified and analyzed. This applied research employed both qualitative and quantitative approaches. Initially, the existing barriers were examined based on the opinions of experts and specialists. Subsequently, the influencing factors were identified, and path analysis was performed using SPSS version 26 to evaluate the direct and indirect effects of each factor. The findings indicate that, considering the identified barriers and challenges, business development, awareness-raising, accessibility, service provision, proximity to key development centers, investor attraction, financial facilities, economic stability, establishment of credit funds, support from relevant organizations, provision of advisory services, and the availability of infrastructural and supporting facilities are among the most influential factors contributing to the development of businesses in the cultural heritage sector.
Article history:	
Received: 2025/10/21	
Accepted: 2026/02/28	
Available online: 2026/04/08	
Keywords: Small Businesses, Guilan Province, Influencing Factors, Development, Cultural Heritage	

Cite this article: Hatami Shakhali, S. M., Emami, S. F., Nasiri Jan Agha, F., & Mahmoodi Chenari, H. (2026). Analysis of Factors Affecting the Development of Rural Handicraft Businesses Toward Sustainable Development and the Green Economy: A Case Study of Guilan Province. *Journal of Environmental Research and Technology*, 11(19), 59–71.

doi: 10.66224/jert.51871.11.19.59

✉Corresponding author E-mail address: fzn_nasiri@yahoo.com



© The Author(s).

Publisher: Environmental Research Institute (ACECR)

مقدمه

محدودیت گزینه‌های توسعه اقتصادی یکی از عوامل اصلی عقب‌ماندگی مناطق روستایی محسوب می‌شود (زیلینسکی^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، توسعه پایدار روستایی از طریق تقویت کارآفرینی و کسب‌وکارهای کوچک امکان‌پذیر است و می‌تواند نقش مهمی در افزایش اشتغال، جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها و در نهایت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی این مناطق ایفا کند (اوانز^۲ و همکاران، ۲۰۱۵؛ رضایی و نجفی، ۱۳۹۴). تجارب کشورهای موفق نشان می‌دهد که صنعتی‌سازی روستاها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی، به‌ویژه در حوزه صنایع خلاق و دستی، یکی از راهکارهای اساسی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود (دیوانداری^۳ و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین، مطالعات بانک جهانی نشان داده است که بین فضای کسب‌وکار و سطح توسعه بنگاه‌ها ارتباط مستقیمی وجود دارد (آپاریسیو^۴ و همکاران، ۲۰۲۱).

یکی از ظرفیت‌های مهم فرهنگی و اقتصادی در ایران، صنایع دستی است که ریشه در تاریخ و هویت مناطق مختلف کشور دارد. این صنایع که نمادی از هویت فرهنگی کشور محسوب می‌شوند، در معرض فراموشی قرار گرفته و نیازمند حمایت برای حفظ و توسعه هستند (حسین‌نیا و شجاع^۵، ۲۰۱۷). در این راستا، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به‌عنوان زیربنای اقتصاد ملی در بسیاری از کشورها شناخته می‌شوند و نقش کلیدی در اشتغال‌زایی، کاهش فقر، توسعه منطقه‌ای و افزایش مزیت رقابتی دارند (هالباک و گابریلسون^۶، ۲۰۱۳؛ آل عمری^۷ و همکاران، ۲۰۱۴). این کسب‌وکارها علاوه بر ایجاد اشتغال برای اقشار کم‌درآمد، با افزایش بهره‌وری و توسعه زنجیره ارزش، بستری مناسب برای کارآفرینی فراهم می‌کنند (لوپز-اورتگا^۸ و همکاران، ۲۰۱۶؛ قاسمی و جوان، ۱۳۹۳). در سطح جهانی، چرخه‌های کسب‌وکار فرصت‌های جدیدی را به وجود می‌آورند، اما استفاده از این فرصت‌ها بدون حمایت کافی ممکن است حتی برای شرکت‌های انعطاف‌پذیر نیز دشوار باشد (ابو-رومان^۹ و همکاران، ۲۰۲۰). توسعه صنایع خلاق باعث افزایش بهره‌وری منابع شده و با ساختارهای انگیزشی و تنظیمی، زمینه‌ساز نوآوری و کارآفرینی می‌شود. این صنایع به دلیل وابستگی کمتر به زیرساخت‌های صنعتی سنگین، قابلیت انطباق بالایی با سیاست‌های محیط‌زیستی دارند (نجفیان، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، کشورهای دارای فضای کسب‌وکار مطلوب، از نظر شاخص‌های توسعه‌ای نیز در وضعیت بهتری قرار دارند، زیرا رونق کسب‌وکارهای کوچک تأثیر مستقیمی بر درآمد ملی و ایجاد اشتغال دارد (جاسون و گووند^{۱۰}، ۲۰۱۷؛ ماکسیموف^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۷).

بهبود فضای کسب‌وکار از مهم‌ترین راهبردهای توسعه پایدار روستایی به شمار می‌رود، اما مطالعات در زمینه اکوسیستم‌های اختصاصی کسب‌وکار در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۹). با توجه به انعطاف‌پذیری و توانایی بالای کسب‌وکارهای کوچک در به‌کارگیری فناوری‌های جدید، این شرکت‌ها می‌توانند سریع‌تر از بنگاه‌های بزرگ به تغییرات بازار واکنش نشان داده و با ارائه محصولات نوآورانه، موجب رشد اقتصادی و کاهش بیکاری شوند (ابو-رومان و همکاران، ۲۰۲۰). برای توسعه روستایی، سه رویکرد کلی در نظر گرفته شده است که شامل توسعه مکانی، توسعه اقتصادی و توسعه خلاقیت و استعدادهای فردی می‌شود. در این میان، تأکید بر

1- Zielinski

2- Evans

3- Divandari

4- Aparicio

5- Hosseinnia and Shoja

6- Hallböck and Gabriellson

7- Al Amri

8- López-Ortega

9- Abu-Rumman

10- Jasson and Govender

11- Maksimov

شکل‌گیری "اقتصاد خلاق" بر پایه فرهنگ و هنر روستایی، می‌تواند به‌جای جذب صرف گردشگران، زمینه‌ساز مهاجرت معکوس و استقرار نیروی کار خلاق در مناطق روستایی شود (آرده‌الا^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). از آنجا که کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بستر رشد ایده‌های کارآفرینی و دانش‌بنیان را فراهم می‌کنند، رابطه مستقیمی بین رونق این بنگاه‌ها و توسعه کارآفرینی وجود دارد (سادیکو-دوشی^۲ و همکاران، ۲۰۱۹) که یکی از چالش‌های اساسی سیاست‌گذاران این حوزه، توانمندسازی شرکت‌های کوچک برای حفظ رقابت‌پذیری در بازارهای داخلی و بین‌المللی است (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۳، ۲۰۱۹). کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به دلیل توانایی در کاهش هزینه‌ها و نوآوری، نقشی کلیدی در تجارت جهانی ایفا کرده و به ستون فقرات تولید و توسعه اقتصادی تبدیل شده‌اند (پال^۴ و همکاران، ۲۰۱۷).

بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که فضای کسب‌وکار زنان روستایی ویژگی‌های منحصر به فردی دارد و برنامه‌ریزی برای توسعه آن نیازمند شناخت دقیق این ویژگی‌هاست (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین، حمایت از صنایع خلاق و احیای صنایع دستی فراموش‌شده می‌تواند به رشد پایدار روستاها کمک کند (ابریشمی و همکاران، ۱۳۹۸). پژوهش‌های دیگر نیز نشان داده‌اند که توسعه صنایع روستایی باعث افزایش درآمد، ایجاد اشتغال و بهبود کیفیت زندگی جوامع روستایی می‌شود (بهرامی، ۱۳۹۹). در نتیجه، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، به‌ویژه در مناطق روستایی، نه تنها به کاهش فقر و بیکاری کمک می‌کند، بلکه عاملی کلیدی در مسیر توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی کشورها محسوب می‌شود.

در ایران، بنگاه‌های کوچک و متوسط^۵ با تعاریف متنوعی از سوی نهادهای مختلف مواجه هستند. بر اساس تعریف وزارت صنایع و معادن و وزارت جهاد کشاورزی، این بنگاه‌ها شامل واحدهای صنعتی و خدماتی با کمتر از ۵۰ نیروی کار می‌شوند، در حالی که بانک مرکزی ایران آستانه کوچک و متوسط بودن را تا ۱۰۰ نفر گسترش می‌دهد (فراهانی^۶ و همکاران، ۲۰۱۷). این تنوع در تعاریف، خود نشان‌دهنده پیچیدگی ساختاری و تنوع عملکردی این بنگاه‌هاست که در مناطق روستایی، به‌ویژه در حوزه صنایع دستی، نقشی بنیادین در حفظ هویت فرهنگی و تولید ارزش اقتصادی ایفا می‌کنند. بنگاه‌های کوچک و متوسط به دلیل ارتباط نزدیک با مشتریان، کارکنان و تأمین‌کنندگان، و سازگاری بیشتر با محیط طبیعی، به‌عنوان بنگاه‌های پایدار شناخته می‌شوند (لو^۷ و همکاران، ۲۰۱۹) و به دلیل استفاده از مواد اولیه طبیعی، تکنیک‌های سنتی و انتشار کربن بسیار پایین، از دیرباز صنعتی همسو با اصول اقتصاد سبز بوده است (حسینی و مهربانی، ۱۴۰۳). در حالی که اقتصاد سبز بر کاهش مصرف منابع تجدیدناپذیر، کاهش آلودگی و افزایش بهره‌وری تأکید دارد، صنایع دستی روستایی به‌طور ذاتی با چنین رویکردهایی همخوانی دارد. از سوی دیگر، استان گیلان به‌عنوان یکی از قطب‌های اصلی صنایع دستی کشور، با تکیه بر رشته‌هایی چون حصیربافی، بامبو بافی و چادرشب‌بافی، ظرفیت بالایی برای توسعه مبتنی بر اقتصاد سبز دارد. در این راستا، توسعه کانون‌های کسب‌وکار صنایع دستی در گیلان می‌تواند ضمن ایجاد اشتغال پایدار، به حفظ منابع طبیعی، احیای هنرهای بومی و کاهش مهاجرت روستاییان نیز کمک کند (احمدی و همکاران، ۱۴۰۳). از این منظر، صنایع دستی روستایی نه یک فعالیت حاشیه‌ای، بلکه یکی از شالوده‌های بالقوه برای گذار به اقتصاد سبز در نواحی روستایی ایران است. شواهد تجربی نشان می‌دهند که موانع اصلی توسعه کارآفرینی سبز در جوامع روستایی، از جمله ضعف دسترسی به سرمایه، نبود آموزش‌های

1- Ardhal

2- Sadiku-Dushi

3- OECD

4- Paul

5- SME

6- Farahani

7- Lowe

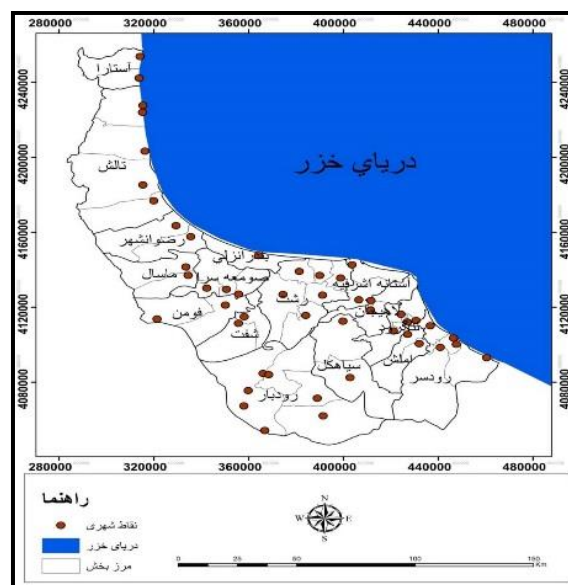
محیط زیستی و زیرساخت‌های ناکارآمد، دقیقاً همان عواملی هستند که در پژوهش‌های پیشین نیز به عنوان مانع توسعه کسب و کارهای صنایع دستی شناسایی شده‌اند (حاجیان، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، اقتصاد سبز صرفاً یک راهکار محیط-زیستی نیست، بلکه الگویی است که از طریق بهره‌وری از منابع طبیعی و کاهش ضایعات، می‌تواند زنجیره ارزش پایداری در مناطق روستایی ایجاد کند (کبیر و همکاران، ۱۴۰۴). اما از سوی دیگر، مناطق روستایی استان گیلان، با وجود پتانسیل‌های فراوان در حوزه صنایع دستی، با چالش‌های متعددی مانند محدودیت فرصت‌های اقتصادی، رقابت ناعادلانه با محصولات صنعتی، و کاهش جذابیت اشتغال مواجه هستند (زیلینسکی و همکاران، ۲۰۲۰). استان گیلان با دارایی ۹۰ گونه از ۳۰۰ نوع صنعت دستی کشور، از جمله حصیر، گلیم، سفالگری، و خراطی، سالانه ۳۵ میلیارد تومان گردش مالی تولید می‌کند (حسین‌نیا و شجاع، ۲۰۱۷). با این حال، این صنایع با موانعی چون ناپایداری قیمت مواد اولیه، ضعف زیرساخت‌های تولیدی و بازاریابی، و کمبود حمایت‌های مالی-قانونی روبرو هستند که تهدیدی جدی بر بقای آنها و تحقق توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شوند.

از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه کانون‌های تولیدی حوزه کسب و کارهای خرد صنایع دستی استان گیلان انجام شده است. این مقاله با تکیه بر چارچوب نظری توسعه پایدار، به بررسی مولفه‌هایی مانند حمایت نهادی، دسترسی به منابع، ظرفیت‌های فرهنگی-اجتماعی، و چالش‌های زیرساختی می‌پردازد. یافته‌های آن می‌تواند به سیاست‌گذاران و ذینفعان کمک کند تا راهبردهای مؤثرتری برای توسعه پایدار روستایی از طریق صنایع دستی طراحی کنند.

مواد و روش‌ها

محدوده مورد مطالعه

استان گیلان در شمال ایران بین سواحل جنوبی خزر و ارتفاعات البرز در جنوب محصور شده و حدود ۱۴ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. این استان در محدوده جغرافیایی عرض شمالی ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۲۷ دقیقه و طول شرقی ۴۸ درجه و ۵۳ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۴ دقیقه واقع شده است. از شمال به دریای خزر و کشور جمهوری آذربایجان، از غرب به استان اردبیل، از جنوب به استان زنجان و قزوین و از شرق به استان مازندران محدود می‌شود. استان گیلان به ۱۷ شهرستان به نام‌های آستارا، آستانه‌اشرفیه، املش، بندر انزلی، رشت، رضوانشهر، رودبار، رودسر، سیاهکل، شفت، صومعه‌سرا، طوالش، فومن، لاهیجان، لنگرود و ماسالو خم‌ام به مرکزیت شهرستان رشت نامگذاری شده است. نقشه موقعیت شهرستان‌ها و بخش‌های استان گیلان در شکل (۱) ارائه شده است. جمعیت گیلان بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، بر مبنای برخی از پارامترهای جمعیت شناختی مورد مطالعه قرار گرفته است. این استان مطابق آخرین سرشماری‌ها دارای ۲۵۳۰۶۹۶ نفر جمعیت است که ۷۹۷۴۷۰ نفر آن را جمعیت شهری، ۹۲۷۶۶۰ نفر جمعیت روستایی و ۱۰ نفر جمعیت غیر ساکن، تشکیل می‌دهند. از مجموع ۲۲۳۳۹۵۷ نفر جمعیت ده ساله و بیشتر، ۸۸۳۱۶۲ نفر جمعیت فعال، ۷۷۰۷۸۱ نفر شاغل و ۱۱۲۳۸۱ نفر بیکار بوده‌اند.



شکل (۱) موقعیت شهرستان‌ها و بخش‌های استان گیلان

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر رویکرد توصیفی-تحلیلی است که با نمونه‌ای با حجم ۳۸۴ نفر فعال در حوزه صنایع دستی و ۴۰ نفر از کارشناسان متخصص در این زمینه انجام شده است. جامعه آماری تحقیق، شاغلین و فعالین حوزه کسب و در زمینه صنایع دستی است. رویکرد پژوهش کمی و کیفی و ابزار گردآوری داده‌ها پژوهش‌های میدانی و پرسشنامه است. به منظور تعیین تعداد نمونه‌ها با استفاده از جدول مورگان، ۳۸۴ نفر معین شد که به منظور افزایش سطح اطمینان و کاهش خطا در داده‌ها، تعداد نمونه‌ها افزایش یافته است. روش نمونه‌برداری به صورت تصادفی است. به منظور ارزیابی روایی متغیرهای وابسته و مستقل بعد از بررسی مطالعات متعدد و شناسایی اولیه شاخص و نیز دریافت نظر کارشناسان از روایی عاملی استفاده شد. طبق برآورد صورت گرفته مقدار پایایی پرسشنامه ۰/۹۲۱ به دست آمده است. همچنین به منظور تجزیه و تحلیل شاخص‌ها از مدل تحلیل مسیر در نرم افزار SPSS ورژن ۲۶ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

وضعیت متغیرهای زمینه‌ای منطقه مورد مطالعه

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد، ۵۸ درصد پاسخگویان مرد و ۴۲ درصد زن بوده‌اند. همچنین، به لحاظ ویژگی‌های سنی، ۲۵ درصد در گروه سنی ۲۰-۳۵ سال، ۶۲ درصد در گروه سنی ۳۶-۵۰ سال و ۱۲ درصد نیز در گروه سنی بالای ۵۰ سال بوده‌اند. وضعیت سواد و تحصیلات پاسخگویان بیانگر آن است که افراد بی سواد ۵ درصد و تحصیلات لیسانس با ۳۸ درصد، بیشترین تعداد پاسخگویان را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۱).

جدول (۱) ویژگی‌های توصیفی (جنس، سن و تحصیلات) پاسخگویان

متغیرها	فراوانی	درصد
جنس		
مرد	۲۳۲	۵۸
زن	۱۶۸	۴۲
جمع	۴۰۰	۱۰۰
سن		
۲۰-۳۵ ساله	۱۰۲	۲۵/۵
۳۶-۵۰ ساله	۲۵۰	۶۲/۵
بالای ۵۰ سال	۴۸	۱۲
جمع	۴۰۰	۱۰۰
تحصیلات		
بی‌سواد	۲۰	۵
سیکل	۵۰	۱۲/۵
دیپلم و فوق‌دیپلم	۱۸۰	۴۵
لیسانس و بالاتر	۱۵۰	۳۷/۵
جمع	۴۰۰	۱۰۰

منبع: محاسبات نگارنده ۱۴۰۱.

● شناسایی رسته‌های کسب‌وکار زیرمجموعه سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان

گیلان و معرفی شهرستان‌های مرکز فعالیت

به‌منظور شناسایی رسته‌های کسب‌وکار زیرمجموعه سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان گیلان و معرفی شهرستان‌های مرکز فعالیت، از داده‌های رسمی و آماری ثبت شده سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی که شامل افراد شاغل تحت حمایت این سازمان بودند، استفاده شد. بدین منظور در ابتدا، لیستی از افراد شاغل در دو گروه مستقل و پشتیبان زیر مجموعه این سازمان در رسته‌های صنایع دستی فلزی، نقاشی روی شیشه، بافته‌های داری و غیرداری، صنایع دستی حصیری و چوبی، نساجی سنتی، کاشی سنتی، سفال و سرامیک، سازنده ساز سنتی، صنایع دستی چرمی، طراحی و نقاشی سنتی و چاپ‌های سنتی تهیه و با توجه به آمار موجود، پراکنش فعالیت‌های تحت حمایت در شهرستان‌های استان بر روی نقشه مشخص شد و سپس به‌صورت مصاحبه حضوری و غیرحضوری با آنان، به احصاء چالش‌ها، موانع و راهکارهای رشته فعالیتی از دیدگاه آنان پرداخته شد (جدول ۲). این موارد عبارتند از:

جدول (۲) موانع، چالش‌ها و راهکارهای مرتبط با صنایع دستی فلزی از دیدگاه فعالین مستقل و پشتیبان آن

دستگاه	رشته فعالیت	سابقه فعالیت در رشته	بازار فروش محصول	وابستگی به سایر مشاغل
میراث فرهنگی	صنایع دستی	سابقه طولانی	داخل و خارج استان	-

موانع و چالش‌ها:

- ۱- عدم انگیزه افراد برای ادامه کار به واسطه مشکلات و موانع موجود
- ۲- مسائل و مشکلات مالی؛
- ۳- گرانی مواد اولیه و عدم ثبات قیمت‌ها به‌خصوص بعد از کرونا
- ۴- فرآیند سخت گرفتن وام و مشکل معرفی ضامن؛
- ۵- عدم حمایت کافی دولت از تولید کنندگان در این رشته؛
- ۶- مشکل نیروی کار به دلیل عدم توانایی در حمایت مالی نیروها با وجود پتانسیل بالای این رشته به‌منظور حضور در بازار و فروش مناسب
- ۷- عدم انگیزه در جوانان به‌منظور فعالیت در این رشته به دلیل مشکلات بیمه و درآمد و...
- ۸- مشکل در تامین ذغال سنگ مورد نیاز به عنوان مواد اولیه کار با وجود معادن فعال در استان
- ۹- چالش در عدم مدیریت مناسب در زمینه قیمت‌گذاری اجرت‌ها

- ۱۰- وجود مالیات سنگین به گونه‌ای که بعضی از افراد به فکر واگذاری مجوز فعالیتشان هستند؛
- ۱۱- بروکراسی اداری و فرآیند طولانی اخذ مجوز؛
- ۱۲- عدم وجود بیمه برای افراد؛
- ۱۳- مشکل بازار فروش محصولات (با وجود اینکه در فضای مجازی هم عکس کارها گذاشته می‌شود، ولی به علت گرانی محصول و هزینه بر بودن کار خریدار کم است).
- ۱۴- عدم حمایت دولت از تولید کنندگان در این رشته و عدم توجه به کار افراد به خصوص افرادی که توان تولیدی بالایی دارند (به منظور صادرات)؛
- ۱- عدم حمایت مناسب از فعالان این رشته در مباحث مربوط به بیمه مشاغل (در یک نمونه دیرکرد یک روزه در پرداخت حق بیمه موجب ابطال بیمه فرد گردیده)؛
- ۲- عدم وجود قانون و صنف مشخص و حمایت کننده در مسائلی مانند رعایت عدم کپی طرح‌ها و...؛

پتانسیل‌های منطقه برای مشاغل جدید:

بیشتر رشته‌های صنایع دستی در استان قابلیت رشد دارند.

منبع: محاسبات نگارنده ۱۴۰۱.

عمده فعالیت‌های مرتبط با صنایع دستی فلزی شامل قلمزنی، ساخت زیور آلات، مليله سازی، حکاکی روی فلز است که عملکرد فعلی و اهمیت آنها به تفکیک هر شاخص ارزیابی شده است. گردآوری اطلاعات به‌منظور بررسی عملکرد فعلی از فعالین مستقل و پشتیبان توسط ابزار پرسشنامه صورت پذیرفته و همچنین امتیازات مربوط به اهمیت هر کدام از شاخص‌های تعریف شده نیز توسط جمعی از خبرگان و کارشناسان متخصص، تعیین شده است.

• تبیین عوامل مؤثر بر توسعه کانونهای کسب‌وکار در بخش میراث فرهنگی

به‌منظور تبیین روابط علی میان عوامل مؤثر بر توسعه کانون‌های کسب‌وکار صنایع دستی، از مدل تحلیل مسیر استفاده شد. این روش امکان بررسی هم‌زمان اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (توسعه کانون‌های کسب‌وکار) را فراهم می‌کند. نتایج نشان داد که ساختار مدل از برازش مناسبی برخوردار است؛ به گونه‌ای که ضریب همبستگی چندگانه ($R=0.86$) و ضریب تعیین تعدیل شده ($\text{Adjusted } R^2=0.78$) بیانگر توان بالای متغیرهای تبیینی در توضیح تغییرات توسعه کانون‌های کسب‌وکار هستند.

بطور خلاصه نتایج حاصل از مدل تحلیل مسیر نشان می‌دهد از میان متغیرهای مورد بحث، اقتصادی و تسهیلات و ثبات اقتصادی با اثر کلی ۰/۵ و سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۵۰ بیشترین تاثیر را بر روی توسعه کانون‌های کسب‌وکار در منطقه مورد مطالعه داشته است (جدول ۳).

علاوه بر تعداد اثرگذاری‌های مستقیم متغیرها، بسیاری از متغیرها به صورت غیرمستقیم بر این متغیر اثر می‌گذارند. بر فرض مثال امکانات روبنایی و زیربنایی در پشتیبانی سازمان‌های ذی ربط اثر می‌گذارد سپس بر تسهیلات اثر می‌گذارد. مصادق دیگری که می‌توان نام برد تشکیل صندوق‌های اعتباری است که در امکانات زیربنایی و روبنایی اثر می‌گذارد و پس از آن در تسهیلات اثرگذار است.

بر این اساس (با توجه به یافته‌های تحقیق) و به کمک ضریب تعیین (شدت تغییرات) محاسبه شده می‌توان میزان شدت تاثیر تغییرات متغیرهای مستقل بر هر یک از متغیرهای وابسته را مورد تحلیل قرار داد. بررسی یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون خطی بین متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد فرضیه تحقیق با ۹۵٪ اطمینان (۵٪ خطا) مورد تایید قرار گرفت. با توجه به مقادیر بدست آمده، می‌توان نمودار تحلیل مسیر را به صورت زیر نمایش داد.

جدول (۳) تحلیل رگرسیون عوامل مؤثر بر توسعه کانون‌های کسب‌وکار در بخش میراث فرهنگی

ضریب تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب چندگانه همبستگی
۰/۷۸	۰/۷۹	۰/۸۶

منبع: نتایج تحقیق، ۱۴۰۱

جدول (۴) نتایج مربوط به برآورد مدل عوامل مؤثر بر توسعه کانون‌های کسب‌وکار در بخش میراث فرهنگی

متغیر	B	Std. Error	Beta	t	Sig
توسعه کسب‌وکار	۰/۰۷۲	۰/۰۱۸	۰/۰۹۳	۴/۰۱	۰/۰۰۰
فرهنگ‌سازی	۰/۰۷۵	۰/۰۲	۰/۱	۳/۶۸	۰/۰۰۰
دسترسی	۰/۰۰۳	۰/۰۲	۰/۰۰۳	۰/۱۳	۰/۰۰۰۱
ارائه خدمات	۰/۰۵۳	۰/۰۱۹	۰/۰۷۸	۲/۸	۰/۰۰۴
دوری و نزدیکی به مراکز برتر	-۰/۰۰۹	۰/۰۲۵	-۰/۰۱	۰/۲۵	۰/۰۰۳
جذب سرمایه‌گذار	۰/۱۷	۰/۰۲۶	۰/۰۲	۶/۶	۰/۰۰۰
تسهیلات	۰/۴۸	۰/۰۲۴	۰/۵	۲۰/۱۶	۰/۰۰۰
ثبات اقتصادی	۰/۱۷	۰/۰۱۹	۰/۲۴	۸/۸	۰/۰۰۰
تشکیل صندوق اعتباری	-۰/۰۶۷	۰/۰۱۹	۰/۰۸۱	-۳/۴	۰/۰۰۱
پشتیبانی و حمایت سازمان‌های ذی ربط	۰/۰۱۶	۰/۰۱۶	۰/۰۲۶	۰/۹۷	۰/۰۰۳
ارائه خدمات مشاوره	-۰/۰۱۳	۰/۰۳۸	-۰/۰۷	-۲/۳۴	۰/۰۰۲
امکانات زیربنایی و روبنایی	۰/۰۴۹	۰/۰۱۴	-۰/۰۶	۳/۵۸	۰/۰۰۰

منبع: نتایج تحقیق، ۱۴۰۱

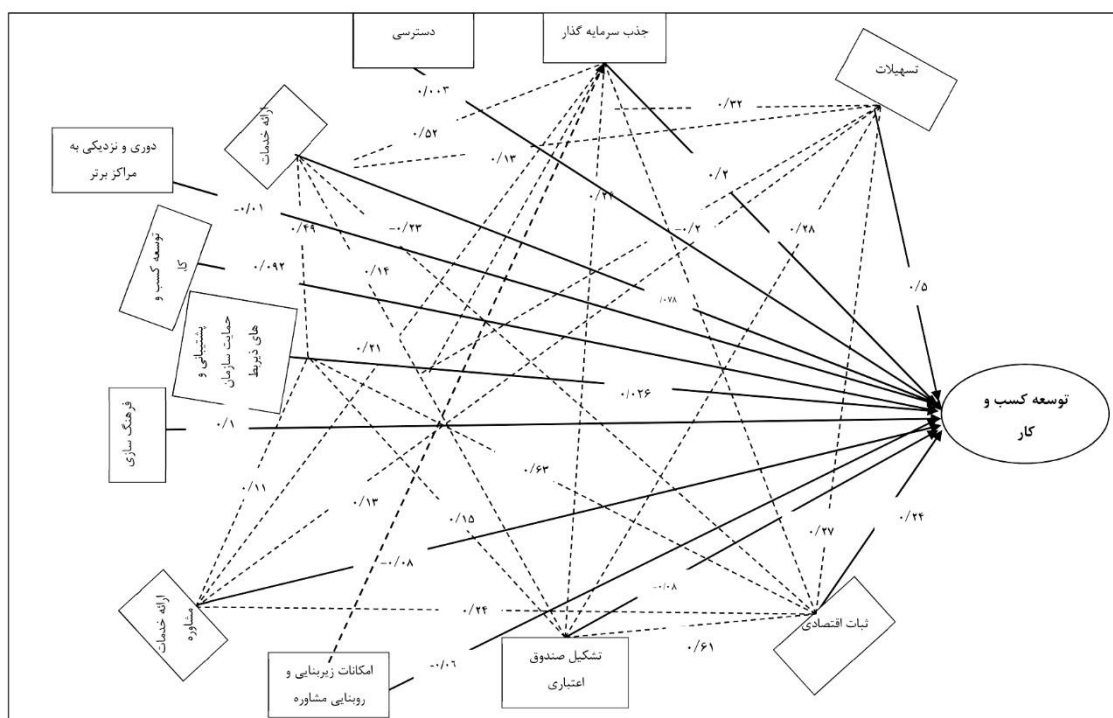
نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای وارد شده به مدل، اثر معناداری بر توسعه کانون‌های کسب‌وکار صنایع دستی دارند ($P < 0.05$). در این میان، متغیر «تسهیلات مالی» با ضریب بتای استاندارد ($\beta = 0.50$) بیشترین اثر مستقیم را بر متغیر وابسته داشته است. این یافته بیانگر آن است که دسترسی به منابع مالی و تسهیلات اعتباری، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در توسعه و تداوم فعالیت کانون‌های کسب‌وکار صنایع دستی در مناطق روستایی استان گیلان محسوب می‌شود.

پس از تسهیلات، متغیر «ثبات اقتصادی» ($\beta = 0.24$) در رتبه دوم قرار دارد که نشان‌دهنده تأثیر قابل توجه شرایط کلان اقتصادی، از جمله نوسانات قیمت و هزینه‌های تولید، بر عملکرد این کسب‌وکارهاست. سایر عوامل نظیر جذب سرمایه‌گذار، فرهنگ‌سازی، توسعه کسب‌وکار و ارائه خدمات نیز اثرات مثبت و معنی‌داری بر توسعه کانون‌ها داشته‌اند، اما شدت اثرگذاری آن‌ها در مقایسه با عوامل مالی و اقتصادی کمتر بوده است (جدول ۵).

جدول (۵) خلاصه اثرات عوامل مؤثر بر توسعه کانون‌های کسب‌وکار

عامل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کلی
تسهیلات مالی	بالا	متوسط	بسیار بالا
ثبات اقتصادی	متوسط	بالا	بالا
جذب سرمایه‌گذار	کم	متوسط	متوسط
امکانات زیربنایی و روبنایی	کم	متوسط	متوسط
پشتیبانی نهادی	کم	کم	کم تا متوسط
فرهنگ‌سازی	کم	کم	کم

مطابق با جدول فوق، بررسی اثرات غیرمستقیم متغیرها نشان می‌دهد که برخی عوامل، اگرچه اثر مستقیم محدودی بر توسعه کانون‌های کسب‌وکار دارند، اما از طریق تأثیرگذاری بر متغیرهای کلیدی‌تر مانند تسهیلات مالی و جذب سرمایه‌گذار، نقش مهمی در شکل‌گیری فرآیند توسعه ایفا می‌کنند. این یافته بیانگر ماهیت زنجیره‌ای و چندسطحی عوامل مؤثر بر توسعه صنایع دستی در مناطق روستایی است.



نمودار (۱) اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل و وابسته توسعه کانون‌های کسب‌وکار (* اثرات مستقیم (خطوط ممتد) و اثرات غیرمستقیم (خطوط منقطع) متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته توسعه کانون‌های کسب‌وکار)

نمودار تحلیل مسیر (نمودار ۱)، ساختار روابط علی میان عوامل مؤثر بر توسعه کانون‌های کسب‌وکار صنایع دستی را به صورت یک الگوی یکپارچه نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار، متغیر «تسهیلات مالی» نقش متغیر کانونی را ایفا می‌کند و بیشترین اثر مستقیم را بر توسعه کانون‌های کسب‌وکار دارد.

در این ساختار، متغیرهایی مانند «ثبات اقتصادی» و «جذب سرمایه‌گذار» به عنوان متغیرهای میانی عمل می‌کنند و اثر عوامل زیرساختی، نهادی و فرهنگی را به توسعه کانون‌ها منتقل می‌نمایند. به بیان دیگر، عواملی نظیر «امکانات زیربنایی و رونمایی»، «پشتیبانی و حمایت سازمان‌های ذی‌ربط» و «فرهنگ‌سازی» اگرچه اثر مستقیم محدودی دارند، اما از طریق تقویت شرایط اقتصادی و بهبود دسترسی به منابع مالی، نقش غیرمستقیم مهمی در توسعه این کانون‌ها ایفا می‌کنند.

این الگو نشان می‌دهد که توسعه کسب‌وکارهای صنایع دستی در مناطق روستایی، فرآیندی چندسطحی و زنجیره‌ای است که در آن، سیاست‌های مالی و ثبات اقتصادی پیش شرط اثربخشی سایر مداخلات نهادی و فرهنگی محسوب می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه کانون‌های کسب‌وکار صنایع دستی در مناطق روستایی استان گیلان، بیش از هر چیز تحت تأثیر عوامل مالی و اقتصادی قرار دارد. نتایج تحلیل مسیر حاکی از آن است که «تسهیلات مالی» به‌عنوان مهم‌ترین عامل، بیشترین اثر مستقیم را بر توسعه این کانون‌ها دارد و سایر متغیرها عمدتاً از طریق تأثیرگذاری بر این عامل نقش خود را ایفا می‌کنند. این نتیجه بیانگر آن است که در بسترهای روستایی، محدودیت دسترسی به منابع مالی همچنان مهم‌ترین مانع رشد و پایداری کسب‌وکارهای خرد و صنایع دستی محسوب می‌شود.

برتری نقش تسهیلات مالی و ثبات اقتصادی با نتایج مطالعاتی همچون بهرامی (۱۳۹۹) و دیواندری و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد که بر اهمیت حمایت‌های مالی در توسعه صنایع دستی و صنایع روستایی تأکید کرده‌اند. در عین حال، مقایسه نتایج این پژوهش با مطالعه البوشی و بیگم^۱ (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که اگرچه در برخی زمینه‌ها بر توانمندی‌های مدیریتی و راهبردهای رشد بنگاه‌ها تأکید شده است، اما در شرایط مناطق روستایی ایران، اثربخشی این توانمندی‌ها بدون فراهم بودن حداقل‌های اقتصادی و ثبات مالی، با محدودیت‌های جدی مواجه است. به عبارت دیگر، توانمندی‌های مدیریتی و کارآفرینانه زمانی می‌توانند به توسعه پایدار منجر شوند که در بستری از ثبات اقتصادی و دسترسی به منابع مالی قرار گیرند.

از طرف دیگر، متغیرهایی نظیر فرهنگ‌سازی، پشتیبانی و حمایت سازمان‌های ذی‌ربط و امکانات زیربنایی و روبنایی، اگرچه اثر مستقیم کمتری بر توسعه کانون‌های کسب‌وکار دارند، اما به‌صورت غیرمستقیم و از طریق بهبود شرایط اقتصادی، جذب سرمایه‌گذار و تسهیل دسترسی به تسهیلات مالی، نقش مهمی در فرآیند توسعه ایفا می‌کنند. این یافته با دیدگاه لویز-اورتگا و همکاران (۲۰۱۶) و لو و همکاران (۲۰۱۹) همخوان است که توسعه کسب‌وکارهای خرد را فرآیندی شبکه‌ای و چندسطحی می‌دانند و نقش عوامل نهادی و زیرساختی را در تسهیل این فرآیند برجسته می‌کنند. یافته‌های این پژوهش از این جهت حائز اهمیت مضاعف هستند که دلالت‌های مستقیمی برای سیاست‌گذاری اقتصاد سبز در مناطق روستایی دارند. مدل تحلیل مسیر نشان داد که تسهیلات مالی و ثبات اقتصادی بیش از هر عامل دیگری بر توسعه کانون‌های کسب‌وکار تأثیر می‌گذارند، نتیجه‌ای که با مطالعه دری سده و توکلی (۱۴۰۲) در روستاهای استان اصفهان همسو است؛ آنان نیز نشان دادند که بدون اصلاح ساختار تأمین مالی و کاهش نوسانات اقتصادی، مداخلات فرهنگی و آموزشی در حوزه کارآفرینی سبز بی‌اثر خواهد بود. در عین حال، متغیرهایی نظیر امکانات زیربنایی و روبنایی و پشتیبانی سازمان‌های ذی‌ربط در پژوهش حاضر اثر مستقیم محدود اما اثر غیرمستقیم قابل توجهی از خود نشان دادند. بنابراین، آنچه نقشه راه گذار به اقتصاد سبز را در صنایع دستی گیلان ترسیم می‌کند، اولویت دادن به سیاست‌های مالی پایدار (به‌مثابه پیش‌شرط) و سپس هماهنگ‌سازی سایر مداخلات (آموزش سبز، فرهنگ‌سازی، بهبود زیرساخت‌های بومی) در چارچوب آن سیاست‌هاست. به عبارت دیگر، توسعه صنایع دستی در قالب اقتصاد سبز یک مسئله تزئینی یا نمادین نیست، بلکه مستلزم بازطراحی نظام تأمین مالی، ثبات‌بخشی به بازار مواد اولیه و ایجاد صندوق‌های اعتباری سبز با نظارت محلی است.

برآیند نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه صنایع دستی در مناطق روستایی را نمی‌توان صرفاً با مداخلات فرهنگی، آموزشی یا تبلیغاتی محقق ساخت، بلکه این اقدامات زمانی اثربخش خواهند بود که در چارچوب یک سیاست اقتصادی پایدار و نظام مالی حمایتی تعریف شوند. تمرکز بر ایجاد سازوکارهای پایدار تأمین مالی، تشکیل صندوق‌های اعتباری محلی، کاهش نوسانات اقتصادی و تقویت زیرساخت‌های نهادی می‌تواند زمینه‌ساز توسعه بلندمدت کانون‌های کسب‌وکار صنایع دستی و بهبود معیشت روستاییان شود؛ موضوعی که با رویکردهای توسعه مبتنی بر کسب‌وکارهای

کوچک و متوسط نیز همخوانی دارد (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۱۹). در مجموع، توسعه کانون‌های کسب‌وکار صنایع دستی در استان گیلان زمانی می‌تواند به عنوان الگویی پیشرو برای اقتصاد سبز در مناطق روستایی ایران تثبیت شود که سیاست‌های حمایتی، از جمله صندوق‌های اعتباری سبز، معافیت‌های مالیاتی به‌منظور تولید مبتنی بر مواد اولیه تجدیدپذیر و ایجاد بازارهای محلی با استانداردهای محیط‌زیستی، به‌طور نظام‌مند با اولویت‌بندی تسهیلات مالی و ثبات اقتصادی طراحی و اجرا گردند. تنها در این صورت است که صنایع دستی روستایی نه یک میراث در معرض فراموشی، بلکه پیشران اصلی توسعه پایدار و اقتصاد سبز در سطح محلی عمل خواهد کرد.

منابع

- ابریشمی، حمید، بیدرام، رسول، ماجد، وحید، و بخشایش، الهام (۱۳۹۸). امکان‌سنجی توسعه پایدار روستایی از طریق توسعه صنایع خلاق: نمونه موردی صنایع دستی روستاهای منتخب استان اصفهان. *روستا و توسعه*، ۲۲(۴)، ۵۱-۶۹.
doi:org/10.30490/rvt.2020.289507.1069
- بهرامی، رحمت (۱۳۹۹). اثرات اقتصادی-اجتماعی صنایع روستایی (صنایع دستی و مشاغل خانگی) بر توسعه روستایی مورد: روستاهای شهرستان سنندج. *جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۴(۷۲)، ۸۱-۱۰۳.
doi:org/10.22034/gp.2020.10848
- حاجیان، احمد (۱۴۰۱). بررسی چالش‌ها و موانع توسعه کارآفرینی سبز از دیدگاه خبرگان و ذینفعان (مطالعه موردی: جوامع روستایی سواحل مکران). *راهنمای کارآفرینی در کشاورزی*، ۹(۱۸)، ۱۱۵-۱۲۵.
doi:org/10.52547/jea.9.18.115
- دری سده، سولماز، و توکلی، مرتضی (۱۴۰۲). موانع توسعه اقتصاد سبز در کارآفرینی مناطق روستایی استان اصفهان. *پژوهش‌های جغرافیای اقتصادی*، ۲(۶)، ۲۰-۹۳.
- رضائی، روح‌اله، و نجفی، بهمن (۱۳۹۴). موانع راه‌اندازی و گسترش کسب‌وکارهای خانگی در مناطق روستایی شهرستان ارومیه. *توسعه کارآفرینی*، ۸(۳)، ۴۳۳-۴۵۱.
doi:org/10.22059/jed.2015.57644
- طهماسبی، مریم، خسروی‌پور، بهمن، برادران، مسعود، و غنیان، منصور (۱۳۹۹). مؤلفه‌های برساننده فضای کسب‌وکارهای خرد زنان روستایی؛ مورد مطالعه استان‌های گیلان و مازندران. *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۵۱(۴)، ۷۳۱-۷۴۴.
doi:org/10.22059/ijaedr.2019.290428.668827
- قاسمی، مریم، و جوان، جعفر (۱۳۹۳). تبیین رابطه تنوع‌بخشی فعالیت‌های اقتصادی و توسعه پایدار روستایی مطالعه موردی: شهرستان مشهد. *پژوهش‌های روستایی*، ۵(۲)، ۲۳۷-۲۶۲.
doi:org/10.22059/jrur.2014.52470
- کبیر، حامد، خاکنژادی، محسن، کیانی‌راد، اعظم، و مرادیان، سارا (۱۴۰۴). بررسی مروری اهمیت اقتصاد سبز و نقش آن در توسعه پایدار. *شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، تجارت جهانی، اقتصاد، دارایی و علوم انسانی*.
- نجفیان نجف‌آبادی، مریم (۱۳۹۴). برنامه‌ریزی صنایع خلاق در ایران با رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان]. دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی.
- Abu-Rumman, A., Al Shraah, A., Al-Madi, F. and Alfalah, T., 2020. Entrepreneurial networks, entrepreneurial orientation, and performance of small and medium enterprises: are dynamic capabilities the missing link? *Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 10, pp.1-16.
doi:10.1186/s13731-020-00142-8
- Al Amri, S., Neelufer, A. and Christina, B., 2014. Challenges and barriers encountered by the SMEs owners in Muscat. *International Journal of Small Business and Entrepreneurship Research*, 2(3), pp.1-13.
- Al Bulushi, B. H. S. and Bagum, S., 2017. Growth strategies of sme in Oman-Issues and challenges. *International Journal of Small Business and Entrepreneurship Research*, 5(2), pp.21-61.
- Aparicio, S., Urbano, D. and Stenholm, P., 2021. The effect of informal institutions on entrepreneurial potential: A multi-level analysis. *Technological Forecasting and Social Change*, 168, pp.120745.
doi:10.1016/j.techfore.2021.120745
- Ardhala, A. D., Santoso, E. B. and Sulistyarso, H., 2016. Influence factors on the development of creative

- industry as tourism destination (Case Study: Footwear Village in Mojokerto City). *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 227, pp.671-679. **doi:10.1016/j.sbspro.2016.06.131**
- Black, R. and Cobbinah, P. B., 2018. Local attitudes towards tourism and conservation in rural Botswana and Rwanda. *Journal of Ecotourism*, 17(1), pp.79-10.
- Divandari, J., Danaeina, A. and Izadi, P., 2017. Analysis of the role of handicraft production in rural sustainable development: a case of Sar Aqa Seyyed, Chaharmahal and Bakhtiari. *Journal of History Culture and Art Research*, 6(1), pp.549-565.
- Evans, N., Lasen, M. and Tsey, K., 2015. *A systematic review of rural development research: Characteristics, design quality and engagement with sustainability*. [s.n.].
- Farahani, H., Hossienzadeh, A. and Sohraby, N., 2017. The role of agro industries in the economic stability of rural. *Rural Economy Research*, 3(7), pp.1-10.
- Hallböck, J. and Gabrielsson, P., 2013. Entrepreneurial marketing strategies during the growth of international new ventures originating in small and open economies. *International Business Review*, 22(6), pp.1008-1020. **doi:10.1016/j.ibusrev.2013.02.006**
- Hosseinnia, E. and Shoja, B., 2017. The role of handicrafts in the sustainable development of rural tourism with an emphasis on indigenous knowledge. *International Journal of Geography and Geology*, 6(1), pp.1-7. **doi:10.18488/journal.10/2017.6.1/10.1.1.7**
- Jasson, C. C. and Govender, C. M., 2017. Measuring return on investment and risk in training—A business training evaluation model for managers and leaders. *Acta Commerci*, 17(1), pp.1-9. **doi:10.4102/acv17i1.401**
- López-Ortega, E., Canales-Sanchez, D., Bautista-Godinez, T. and Macias-Herrera, S., 2016. Classification of micro, small and medium enterprises (M-SME) based on their available levels of knowledge. *Technovation*, 47, pp.59-69. **doi:10.1016/j.technovation.2015.10.001**
- Lowe, P., Phillipson, J., Proctor, A. and Gkartziros, M., 2019. Expertise in rural development: A conceptual and empirical analysis. *World Development*, 116, pp.28-37. **doi:10.1016/j.worlddev.2018.12.005**
- Maksimov, V., Wang, S. L. and Luo, Y., 2017. Reducing poverty in the least developed countries: The role of small and medium enterprises. *Journal of World Business*, 52(2), pp.244-257. **doi:10.1016/j.jwb.2016.12.007**
- OECD, 2019. SMEs and rural development. Paris: OECD Publishing.
- Paul, J., Parthasarathy, S. and Gupta, P., 2017. Exporting challenges of SMEs: A review and future research agenda. *Journal of World Business*, 52(3), pp.327-342. **doi:10.1016/j.jwb.2017.01.003**
- Sadiku-Dushi, N., Dana, L. P. and Ramadani, V., 2019. Entrepreneurial marketing dimensions and SMEs performance. *Journal of Business Research*, 100, pp.86-99. **doi:10.1016/j.jbusres.2019.03.025**
- Shucksmith, M. and Brown, D. L., 2016. *Framing rural studies in the global north*. In: *Routledge international handbook of rural studies*. London: Routledge, pp.1-26.
- Skibiński, A. and Sipa, M., 2015. Sources of innovation of small businesses: Polish perspective. *Procedia Economics and Finance*, 27, pp.429-437. **doi:10.1016/S2212-5671(15)01017-5**
- Zielinski, S., Jeong, Y., Kim, S. and Milanés, C. B., 2020. Why Community-Based Tourism and Rural Tourism in Developing and Developed Nations are Treated Differently? *A Review*. *Sustainability*, 12(24), pp.10378. **doi:10.3390/su122410378**